

اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)

[20] کرشخص تراسایه نیفتد چه عجب * تو نوري و آفتاب خود سایه تست وله أيضا: کويند که نيست قادر از عين کمال * بر خلقت شبه خویش حق متعال نزدیک شداینکه رنک امکان کيرد * در ذات علي صورت این أمر محال وله ايضا: أي علم ملت و نفس رسول * خلقه کش علم تو کوش عقول أي بتو مختوم کتاب وجود * وي بتو مرجوع حساب وجود داغ کش ناقه ء تومشک ناب * جزیه ده سایه تو آفتاب خازن سبحانی تنزیل وحی * عالم ربانی تأویل وحی آدم از اقبال تو موجود شد چون تو خلف داشت که مسجود شد تا که شده کنیت نو بو تراب * نه فلك از جوي زمين خورده آب راه حق وهادي هر کمرهي * ماظلماتيم وتو نور الهي آنکه گذشت از تو وغیري کزید * نور بداد ابله وظلمت خرید در کعبه قل تعالوا ازمم که زاد * از بازوي باب حطه خیبر که کشتاد برناقه لا یؤدي الاکه نشست * بردوش شرف بای کراسي که نهاد در مرحله علی نه چون است ونه چند * درخانه حق زاده بجانش سوکند بی فرزندی که خانه زادي دارد * شک نيست که باشدش بجاي فرزند وله ايضا: تجهيل من أي عزيز آسان نبود * بی از شبهات محکم تر از ايمان من ايمان نبود * بعد از حضرات مجموع علوم ابن سينا دائم * بافقه وحديث وینها همه ظاهر است وبنهان نبود * جز بر جهلات
